



Examining the epic elements in the ode "Rebel in hell" by Jamil Sedghi Zahavi¹

parvini Khalil

Tarbiat modares university (IranResponsible Author)

parvini@modares.ac.ir

Sharafat Karimi

University of Kurdistan, Faculty of Literature and Foreign Languages, Department of Arabic Language and Literature

sh.karimi@uok.ac.ir

Ahmad Abdi

PhD student, teacher

ahmadabdi7649@gmail.com

Abstract

In a traditional definition, stories and poems based on the description of heroic deeds and ethnic greatness and honors are called epics. But this definition has progressed in the contemporary era and has become much more different and wide especially in poetry. In the last century, Iraq has seen many social and political events and developments. The long ode "Rebel in Hell" by Jamil Sedghi Zahavi, which includes the ruling thoughts of Zahavi's time about the world and the hereafter, beliefs and beliefs, and the poet took the subject of this epic from religious books with the influence of Dante's "Divine Comedy" and "The Message of Forgiveness" by Moarri and It is also inspired by the social situation that Iraq is living in. The present research tries to analyze the epic elements in this ode using a library method and descriptive-analytical method. The results of this research show that the bitter social realities of that day in Iraq caused the poet to seek refuge within himself, and Zahavi dealt with unfortunate issues such as the oppression of the rulers, baseless prejudices, superstitions and corruption in a mysterious and epic style It depicts.

Key words:

Epic elements, hero, place, rebel in hell, Al-Zahavi.

¹ Date Received: 2024-02-12 Revision date: 2024-03-03 Date of admission: 2024-06-19 Online publication date: 2024-06-24

دراسة العناصر الملحمية في قصيدة "الثورة في الجحيم" لجميل صدقي زهاوي^١

خليل برويني

دكتوراه، جامعة تربية مدرس (المؤلف المسئول)

parvini@modares.ac.ir

شرافت كريمي

جامعة كردستان؛ كلية الآداب واللغات الأجنبية قسم اللغة العربية وآدابها

sh.karimi@uok.ac.ir

احمد عبيد

طالب دكتوراه، مدرس

ahmadabdi7649@gmail.com

المخلص

تسمى القصص والقصائد التي تعتمد على وصف الشجاعة والعظمة والشرف الوطني بالملاحم بالتعريف التقليدي. لكن هذا التعريف قد تشكل في الفترة المعاصرة وأصبح مختلفاً وواسعاً جداً خاصة في الشعر. شهد العراق العديد من الأحداث والتطورات الاجتماعية والسياسية في القرن الماضي. وكثير من هذه الأحداث والتطورات كانت مؤسفة وكان لها أثرها في مجال الأدب أيضاً. القصيدة الطويلة "ثورة في الجحيم" لجميل صدقي زهاوي، والتي تتضمن أفكار عصر الزهاوي حول الدنيا والآخرة، أفكاراً وآراء، أخذ الشاعر موضوع هذه الملحمة من الكتب الدينية تحت تأثير "الإلهي" "كوميديا" من تأليف دانتي و"رسالة أمرزاش" للمعري وهي مستوحاة أيضاً من الوضع الاجتماعي في العراق. يحاول البحث الحالي تحليل العناصر الملحمية في هذه القصيدة بالمنهج المكتبي والمنهج الوصفي التحليلي. وتظهر نتائج هذا البحث أن الواقع الاجتماعي المرير في ذلك الوقت في العراق دفع الشاعر إلى الاحتكام إلى نفسه، وتناول الزهاوي قضايا مؤسفة مثل ظلم الحكام والأحكام المسبقة التي لا أساس لها والخرافات والفساد في ملحمة صوفية.. كما يبدو.

الكلمات المفتاحية:

عناصر ملحمية، البطل، المكان، ثوره في الجحيم، الزهاوي

^١ تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/١١/٢٣ تاريخ المراجعة: ١٤٠٢/١٢/١٣ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٣/٣٠ تاريخ النشر على الانترنت: ١٤٠٣/٠٤/٠٤

بررسی عناصر حماسی در قصیده " ثورة في الجحيم" از جمیل صدقی زهاوی^۱

خلیل پروینی

دکترای تخصصی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

parvini@modares.ac.ir

شرافت کریمی

دکترای تخصصی، دانشگاه کردستان؛ دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، گروه زبان و ادبیات عربی

sh.karimi@uok.ac.ir

احمد عبدی

دانشجوی دکترم، معلم

ahmadabdi7649@gmail.com

چکیده

داستان‌ها و اشعار مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و بزرگی‌ها و افتخارات قومی را در تعریفی سنتی، حماسه نامیده‌اند؛ اما این تعریف در دوره معاصر پیشرفت داشته و به‌ویژه در شعر بسیار متفاوت‌تر و گسترده‌تر شده‌است. عراق در قرن گذشته شاهد حوادث و تحولات اجتماعی، سیاسی زیادی بوده‌است؛ که بسیاری از این حوادث و تحولات ناگوار بوده و در حوزه‌ی ادبیات نیز تأثیرگذار بوده است. قصیده‌ی بلند " ثورة في الجحيم" از جمیل صدقی زهاوی که دربرگیرنده‌ی اندیشه‌های حاکم زمانه‌ی زهاوی در مورد دنیا و آخرت، اعتقادات و باورهاست و شاعر موضوع این حماسه را از کتاب‌های دینی با تأثیر از " کمدی الهی" دانته و "رسالة الغفران" معری و همچنین وضعیت اجتماعی که عراق در آن به سر می‌برد، الهام گرفته است. پژوهش حاضر به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-توصیفی سعی بر آن دارد که عناصر حماسی موجود در این قصیده را مورد واکاوی قرار دهد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان‌دهنده‌ی این است که واقعیت‌های تلخ اجتماعی آن روز عراق باعث پناه آوردن شاعر به درون خویش شده و زهاوی مسائل ناگواری همچون ظلم حاکمان، تعصبات بی‌پایه و اساس، خرافه‌گویی و فساد را به‌صورت رمزگونه و با چاشنی حماسه به تصویر می‌کشد.

کلمات کلیدی:

عناصر حماسی، قهرمان، مکان، ثورة في الجحيم، الزهاوی

^۱ . تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰ تاریخ انشمار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن این نکته که هرگونه دفاع و جان فشانی و پدید آوردن روح مقاومت در راه رسیدن به هدف والا حماسه محسوب می شود؛ حماسه فقط مربوط به ادبیات قدیم نیست و در ادبیات عصر جدید به وفور نمونه هایی از آن یافت می شود. یکی از این نمونه ها، قصیده ثوره فی الجحیم جمیل صدقی الزهاوی است که گویای افکار شاعر است و زهاوی در این حماسه با توجه به قدرت شگرف شاعری اش، با دید انتقادی به بیان واقعیت های تلخ اجتماعی آن روز عراق، چون ظلم و استبداد حاکمان بی لیاقت، تعصبات بی پایه و اساس، خرافه گویی و هرچیزی که موجب انجماد فکر و اندیشه است، با چاشنی حماسی پرداخته است. از مهم ترین عناصر حماسی به کار گرفته شده در این قصیده می توان به عنصر جنگ، عنصر گفتگو، عنصر شخصیت، عنصر مکان و عنصر زمان اشاره کرد.

زهاوی در سرودن این حماسه متأثر از اسطوره های عربی قدیم، همچون هاروت و ماروت، یاجوج و ماجوج، اسطوره های شرقی قدیم همچون کوه قاف و نیز بسیار متأثر از قرآن کریم بوده و در لابه لای سرودن این حماسه از آیات قرآن و احادیث نبوی بهره بسیار برده است.

۱. مقدمه

حماسه را داستان‌ها و شعرهای وصفی مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی، مردانگی‌ها، افتخارات و بزرگی‌های فردی یا گروهی دانسته‌اند؛ که بر ارزش‌های قومی و جمعی تأکید دارد؛ و مظاهر مختلف زندگی یک ملت را در اعصار مختلف در برمی‌گیرد. تاریخ ادب حماسی گواه آن است که این‌گونه سروده‌ها و روایت‌های حماسی، در قرون متمادی تکیه‌گاه هویت ملل مختلف جهان بوده و «آداب و تربیت زیستن و سرانجام چگونگی مردن یک جامعه را در خلال جملات خود بازگو می‌کند» (صفا، ۱۳۵۲: ۳).

برخی بر این باور هستند که دوره حماسه‌سرایی به سر آمده است؛ این سخن چندان هم بی‌راه نیست؛ زیرا حماسه در بستر اجتماعی ویژه‌ای می‌بالد و تا آن بستر فراهم نباشد، کوشش‌های فردی یا حمایت‌های سیاسی برای سرودن حماسه راه به‌جایی نخواهد برد.

اما اکنون این پرسش رخ می‌نماید که آیا در ادبیات جهان معاصر نیز ردپایی از جنبه‌های حماسه وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که بی‌تردید شعر و ادبیات جهان در برابر حوادث سهمگینی چون جنگ‌های بزرگ جهانی، قتل‌عام‌ها و ظلم و استبداد حاکمان منفعل باقی نمی‌ماند و آثاری همچون جنگ و صلح تولستوی دست‌کم به ثبت این حماسه‌ها از زاویه‌ی دید انسانی می‌پردازد؛ اما نکته در اینجا است که با ایجاد دگرگونی‌های نوین در عرصه جوامع بشری و تحت تأثیر قرار گرفتن تدریجی جوامع سنتی، تحولی در نوع نگرش به همه مقولات زندگی بشری ایجاد شده و مبانی ادبیات حماسی نیز مانند سایر مقولات علوم انسانی نیاز به بازشناسی و بازتعریف پیدا کرده است؛ زیرا بیش از هر چیز «وقوع انقلاب صنعتی و نتایج حاصل از آن، نیروی جسمانی و زور بازو را اگر نگوئیم به حربه‌ای قدیمی و مغایر روال متداول زمانه تبدیل ساخته، دست‌کم آن را عملاً عاطل و بی‌حاصل کرده است» (شالیان، ۱۳۷۷: ۱۴).

جهان عرب در اواخر قرن نوزدهم در بدترین شرایط اجتماعی، فرهنگی خود به‌سر می‌برد. در میان کشورهای عربی، عراق دیرتر از مصر و شام به خودمختاری رسید؛ زیرا عراق برعکس مصر در زمان محمد علی پاشا و خاندانش موفق به اخذ خودمختاری از دولت عثمانی نشد. عراق در آن ایام تبعیدگاه عثمانیان بود که هرکس را بر او خشم می‌گرفتند به عراق می‌فرستادند (فاخوری، ۱۹۸۶: ۶۴۹).

دستگاه دولت عراق فاسدتر و ظالم‌تر از دیگر مناطق تحت سیطره‌ی امپراتوری عثمانی بود که این دورافتادگی از خلافت، کمبود امکانات فرهنگی، رفاهی و بهداشتی را به‌دنبال داشت (واٹلی، ۱۹۷۸: ۴۴).

علاوه بر مشکلاتی که سلاطین عثمانی و والیان دست‌نشانده‌ی آن‌ها در عراق ایجاد کرده بودند؛ خود عراق نیز به دلیل اختلافات عشیره‌ای و نظام قبیله‌ی دچار مشکلات زیادی شده بود. رسالت ادبیات هم که در منعکس کردن تحولات مستمر حیات است. شاعران و ادیبان بنابر شرایط ناهنجار اجتماعی جامعه عراق شروع به سرودن شعر کردند. از طرفی اخبار کشورهای غربی در زمینه آزادی‌خواهی، توسعه، آزادی زنان و سایر مسائل اجتماعی و سیاسی که به گوش اعراب می‌رسید؛ منجر به ایجاد زمینه‌های روشنفکری شد. از میان این روشنفکران و آزادی‌خواهان می‌توان به جمیل صدقی زهاوی اشاره کرد.

این مقاله درصدد آن است که شاهکار شعری زهاوی یعنی "ثورة فی الجحیم" را مورد بررسی قرار دهد. قصیده‌ای که شاعر آن را تحت تأثیر رساله الغفران معری نگاشته است که در حقیقت دربرگیرنده‌ی افکار فلسفی و اجتماعی زهاوی است.

۲. سؤالات پژوهش:

- ۱-۲: مهم‌ترین عناصر حماسی بکار رفته در شعر ثورة فی الجحیم زهاوی چیست؟
 ۲-۲: کیفیت و بازتاب حماسه در شعر ثورة فی الجحیم زهاوی چگونه است؟
 ۲-۳: عناصر حماسی موجود در شعر ثورة فی الجحیم متأثر از چه فرهنگ و ایده‌هایی بوده‌است؟

۳. بیان مسئله:

زهاوی شاعر اندیشمندی است که برای بیان عقاید و افکارش، شعر را بکار می‌گیرد. آدونیس نیز بر این نکته تأکید دارد که زهاوی شاعر فکر و اندیشه است که فکرش را به واسطه‌ی شعرش بیان می‌کند و بزرگ‌ترین مسئله‌اش بیدارگری است و این اصرار بر بازگو کردن اندیشه‌اش باعث شده که شعرش تا حدی از تصویرگری، خیال و آهنگ به دور باشد. (مصطفی هداره، ۱۹۹۰: ۲۱).

ثورة فی الجحیم قصیده‌ای بلند در ۴۳۵ بیت است که زهاوی در زمینه حماسه و ادبیات پایداری و به تبع آن یک سفر خیالی بر وزن و قافیه‌ای یکسان آن را سروده است.

این قصیده در جهان ادب و اندیشه سروصدای زیادی به پا کرد که شاعر در سرودن آن از کتاب‌های دینی و از رساله الغفران معری و کمدی الهی دانتی تأثیری گرفته است. زهاوی در این شعر به‌عنوان یک مسلمان شکاک در ایمانش ظاهر شده که افکار و اندیشه‌های تازه‌ای را بیان کرده است.

زهاوی در ثورة فی الجحیم اوضاع و احوال آن روز مشرق زمین خصوصاً عراق را به تصویر می‌کشد و علیه ظالمان و حاکمان که خون مردم رعیت را می‌مکند، قیام می‌کند و رهبری این قیام را نیز خود عهده‌دار می‌شود و به مطالبه‌ی حقوق از دست‌رفته‌ی مردم می‌پردازد (فاخوری، ۱۹۸۶: ۶۵۰). که به‌نوعی این چنین تفکرات زاینده‌ی جهان مدرن است که در اثر ارتباط مشرق زمین با غرب به‌دست آمده است.

همان‌طور که قبلاً هم ذکر شد این قصیده به‌نوعی یک سفر خیالی فلسفی اجتماعی است که بیانگر روحیه‌ی اصلاح‌طلبی زهاوی و نیز بیانگر اعتقادات شکاکانه و درعین‌حال انکار هر فکری است که به‌نوعی نتوان آن را با ترازوی عقل سنجید؛ و گاهی نیز تجلی‌گاه اندیشه‌های فلسفی و اجتماعی شاعر است. این سفر خیالی که در حقیقت از خوابی شروع می‌شود که شاعر در آن مرده است و در قبر به‌مانند مرده‌ای با دو فرشته‌ی نکیر و منکر روبه‌رو شده و سؤالاتی که این دو فرشته از شاعر می‌کنند گویای اعتقادات و باورهای دینی و دنیوی زهاوی است که در نهایت پاسخ‌هایش او را وارد جهنم می‌کند و در آنجا با دختری به نام لیلی هم‌کلام می‌شود که جرم دوست داشتن دارد و به این خاطر جهنمی شده‌است؛ که این خود به‌نوعی طعنه زدن به شرایط زنان آن روز جامعه عراق است. در جهنم با بسیاری از بزرگان و مصلحان مواجه می‌شود که این خود نشان از شرایط سختی است که اندیشمندان و بزرگان آن روز عراق در آن به سر می‌بردند. زهاوی در این خواب خیالی شاهد بدرفتاری فرشتگان جهنم با خود جهنمیان است که این خود منجر به شورش میان آن‌ها می‌گردد که در آخر این جهنمیان هستند که ملائک جهنم را شکست می‌دهند تا جایی که آن‌ها حتی بهشت را هم فتح می‌کنند؛ که این خود خبر از امید به آینده‌ی جامعه عراق است و این آزاداندیشان و مصلحان هستند که در نهایت پیروز این کارزار می‌شوند و حکام و ظالمان زورگو را شکست می‌دهند و این سفر خیالی با این پایان خوش به سرانجام می‌رسد.

۴. پیشینه تحقیق

موضوع پژوهش حاضر بررسی عناصر حماسی در شعر "ثوره فی الجحیم" از جمیل صدقی زهاوی است. تاکنون پژوهشی با این عنوان صورت نگرفته است؛ اما در مورد زهاوی و اشعار و سبک شعری اش به صورت جداگانه و یا به صورت تلفیقی با شاعر دیگر، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالاتی با مضامین و عنوان‌های مختلف به رشته‌ی تحریر درآمده‌اند؛ که در اینجا به ذکر چند نمونه از آن اکتفا می‌کنیم.

ناصر الحانی (۱۹۵۴) در کتاب "محاضرات عن جمیل صدقی الزهاوی" علاوه بر بررسی اشعار سیاسی و اجتماعی زهاوی از گرایش‌های فلسفی و علمی او نیز سخن به میان آورده است.

یوسف عزالدین (۱۹۶۰) در کتاب "الشعر العراقي الحديث" از جنبه‌های زندگی سیاسی و اجتماعی عصر او و تأثیرات آن بر افکار شاعر، سخنان جدیدی را ارائه نموده است.

هادی غفوری (۱۳۹۹). "بررسی تطبیقی مضامین عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در اشعار جمیل صدقی الزهاوی و محمد کابلی میروانی (قانع)". در این پایان‌نامه با توجه به این نکته که دو شاعر در یک دوره با خصوصیات و ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی مشابهی می‌زیسته‌اند؛ مضامین شعری آن‌ها بسیار شبیه به هم است؛ و سعی شده‌است که عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی را در ابعاد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در دیوان دو شاعر براساس مکتب تطبیقی آمریکایی بررسی شود؛ و افکار و اندیشه‌های آنان در مورد عدالت و عکس‌العمل آن‌ها در مورد ظلم و نابرابری مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

جهانگیر امیری، عبدالصاحب طهماسبی، فاروق نعمتی (۱۳۹۰). "نقد التناسق القرآنی فی قصیده ثوره فی الجحیم لجمیل صدقی الزهاوی". در این مقاله ضمن بیان مفهوم بینامتنی و انواع آن، پرسش‌هایی در مورد چگونگی کاربرد بینامتنی قرآنی در شعر زهاوی مطرح شده است. سپس خلاصه‌ای از قصیده ثوره فی الجحیم از سروده‌های این شاعر می‌آید و هدف اصلی آن بیان می‌شود؛ و در ادامه انواع مختلف بینامتنی که در این سروده زهاوی بسامد بیشتری دارد، اشاره می‌شود که از جمله آن می‌توان به بینامتنی فواصل آیات، اسلوب و ترکیب‌ها و مفردات قرآنی (از قبیل موازی و نفی کلی و جزئی) یاد کرد.

۵. زندگینامه و شعر جمیل صدقی الزهاوی

جمیل صدقی الزهاوی در سال ۱۸۶۳ میلادی در خانواده‌ای متمدن در بغداد چشم به دنیا گشوده است. پدر و مادر او هر دو از کردهای منطقه‌ی سرپل ذهاب کرمانشاه بوده‌اند؛ و به گفته‌ی خود وی به این خاطر است که به الزهاوی مشهور شده‌است. زهاوی در عرصه‌ی شعر مقامی شامخ دارد و در شعرش تقریباً به همه چیز می‌پردازد. وی دارای اطلاعات و معلومات وسیعی است که این اطلاعات وسیع خود بن‌مایه‌های شعری او را تشکیل می‌دهد. او بسیاری از حوادث و رویدادهای عصرش را در شعر خود ثبت نموده است.

زهاوی می‌کوشد تا فرزند عصر جدید باشد؛ بنابراین در جهت نوآوری در باب موضوعات شعری اش تلاش بسیار کرد. از موضوعات جدیدی که به آن پرداخت می‌توان مبارزه در راه آزادی، دعوت به علم و دانش و پرداختن به موضوعات فلسفی را نام برد. هر چند شعرش در یک قصیده، گاهی از وحدت موضوعی فاصله می‌گیرد اما اشعارش هیچ‌گاه از وحدت احساسات خالی نمی‌شود. او در جریان

فکری اش بدون هیچ قیدوبندی به تحلیل و تفحص می‌پردازد؛ و افکار و اندیشه‌های گوناگون را از سرتاسر جهان به خود جذب می‌نماید و به‌شدت در احساساتش غوطه‌ور است و بدین ترتیب شعر را با احساساتش درمی‌آمیزد.

۶. حماسه و عناصر حماسی در شعر ثورة في الجحيم

در ابتدا شاید به نظر برسد که حماسه مربوط به ادبیات قدیم است و در ادبیات جدید جایی ندارد؛ اما حماسه تنها منحصر به توصیف میدان جنگ و ابزار جنگی نیست؛ بلکه هرگونه دفاع و جان‌فشانی و پدید آوردن روح مقاومت در راه رسیدن به هدفی والا را شامل می‌شود. با این تعریف، در شعر معاصر عربی هم نمونه‌هایی از این نوع ادبی وجود دارد. (پروینی، ۱۴۰۰: ۳۰).

حماسه یکی از انواع ادبی است که زهاوی آن را به عرصه ادبیات جدید وارد نمود. این موفقیت را در قصیده طولانی "ثورة في الجحيم" می‌توان مشاهده کرد؛ که در حقیقت یک گفتگوی کمدی است که در قالب شعر فلسفی _ اجتماعی سروده شده‌است. این قصیده بازتاب و انعکاس زیادی در عالم فکر و ادب داشت و از جمله شاهکارهای ادبی و هنری او به شمار می‌آید که زهاوی آن را در یک وزن و قافیه تنظیم کرده و قافیه را در تمام ابیات آن رعایت کرده است.

شایان ذکر است در باب تعداد ابیات این قصیده اختلاف نظرهایی وجود دارد. الهلالی در کتاب "الزهاوی الشاعر الفيلسوف و الکاتب المفکر" تعداد ابیات آن را ۴۳۵ بیت می‌داند. (الهلالی، ۱۹۷۶: ۸۶). الفاخوری در کتاب خود تعداد ابیات آن را ۳۴۵ بیت ذکر کرده است. (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۴۲۸)؛ و محمد مصطفی بدوی نیز تعداد ابیات این قصیده را ۴۳۴ بیت دانسته است. (البدوی، ۱۳۹۸: ۹۰).

زهاوی حماسه خود را با آغازی پر از ابهام شروع می‌کند، وی بدون توضیح و تبیینی از شخصیت‌ها و چرایی حوادث و رویدادها، سخن از مرگ و دیدار دو فرشته به نام‌های "نکیر" و "منکر" به میان می‌آورد.

بَعْدَ أَنْ مِتُّ وَ اِحْتَوَانِي الْحَفِيرُ جَاءَنِي مَنكِرٌ وَ جَاءَ نَكِيرٌ^۱ (الزهاوی، ۱۹۸۳: ۱۰۶).

قصیده الزهاوی از سلسله حوادثی تشکیل شده که در بین آن‌ها رابطه علت و معلولی برقرار است. پس از مرگ دو فرشته‌ی نکیر و منکر برای سؤال از اصول اعتقادی و مباحث دینی در قبر وی حاضر می‌شوند:

أَتِيَا لِّلسَّوَالِ فَظَيِّنْ حَيْثُ اَلْمَيْتُ بَعْدَ اسْتِيقَاظِهِ مَذْعُورٌ
عَنْ أُمُورٍ كَثِيرَةٍ قَدْ آتَاهَا يَوْمَ فِي الْأَرْضِ كَانَ حَيًّا يَسِيرٌ^۲ (همان: ۱۰۷)

آزادی از مباحث مورد سؤال است که زهاوی علت آن را عدم اختیار و انتخاب می‌داند.

^۱ بعد از اینکه مردم و قبر مرا در برگرفت، نکیر و منکر که دو فرشته بودند، نزد من آمدند.
^۲ آبا خشم برای سؤال آمدند، زمانی که مرده بعد از بیداری ترسیده است و سؤال از چیزهای زیادی که شخص در زمان حیاتش انجام داده است.

كُنْتُ عَبْدًا مَسِيرًا غَيْرَ حُرٍّ لَا خِيَارَ لَهُ وَلَا تَخْيِيرًا^۱ (همان: ۱۰۷)

و زمانی که از او درباره حجاب پرسیده می‌شود، الزهاوی بی‌حجابی را بر حجاب برتری می‌دهد؛ چرا که آن را دلیل عقب‌ماندگی می‌داند:

إِنَّمَا فِي الْحِجَابِ شَلٌّ لِشَعْبٍ وَخِفَاءٌ وَفِي السَّفُورِ ظَهُورٌ^۲ (همان: ۱۱۳)

سپس در جهنم با افرادی روبه‌رو می‌شود که دست به انقلاب زده‌اند؛ زیرا ظلم‌های سنگینی را متحمل شده‌اند که ناعادلانه بوده و سبب خستگی‌شان شده‌است:

قَالَ: يَا قَوْمَنَا جَهَنَّمَ غُصَّتْ بِالْأَلَى يُظْلَمُونَ مِنْكُمْ فَتُورُوا
قَالَ: يَا قَوْمَنَا أَرَى الْأَمْرَ مِنْ سِوَا إِلَيَّ الْأَسْوَأِ الْأَمْضَى يَسِيرٌ^۳ (همان: ۱۲۹)

۶-۱. عنصر جنگ

درگیری و کشمکش از عناصر و ویژگی‌های بارز یک حماسه است؛ که در حماسه "ثورة في الجحيم" نیز به چشم می‌خورد. زهاوی در ابتدا از درگیری داخلی یعنی درگیری عقل و عاطفه سخن به میان آورده است. زمانی که همه پدیده‌ها را براساس عقل خود می‌سنجد:

رُبَّ أَمْرٍ يَقُولُ فِي شَأْنِهِ الْعَقْلُ نَقِيضُ الَّذِي يَقُولُ الضَّمِيرُ^۴ (همان: ۱۰۸)

بنابراین درگیری در این بخش به‌عنوان ابزاری برای نشان دادن فضای کلی حماسه بکار رفته است. زهاوی به درگیری دیگری نیز اشاره دارد که همان درگیری جسمانی است و بحران عمده حماسه‌اش را درگیری که بین گروه جهنمیان و بهشتیان صورت می‌گیرد، به تصویر می‌کشد. نقطه اوج درگیری حماسه که به همراه اوج گرفتن مبارزات شیطان با عزرائیل صورت می‌گیرد که در نهایت به فتح بهشت توسط جهنمیان و ورود به آن ختم می‌شود تا در داستان هیجان بیشتری ایجاد کند.

الَّذِي قَادَ الْمَلَائِكَةَ مِنْهُمْ هُوَ عَزَائِيلُ الَّذِي لَا يَخُورُ

^۱ برده‌ای بودم که اختیاری از خود ندارد.

^۲ حجاب تنها سبب عقب‌ماندگی جامعه می‌شود، درحالی‌که در بی‌حجابی ظهور است

^۳ گفت: ای مردم، جهنم پر شده‌است از کسانی که مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند؛ پس انقلاب کنید. گفت: پس می‌بینم که وضعیت بدتر می‌شود.

^۴ چه‌بسا امری که عقل برخلاف وجدان از آن سخن گوید.

فهی بَین الملائک البیض صفاً
و الشیطان السّوء صفاً تثور
و تلاقی فوق الجحیم الفریقا
ن هذا ناراً و هذا نوراً^۱ (همان: ۱۳۲)

۶-۲. عنصر زمان

این عنصر مدت زمان به طول انجامیدن حماسه را مشخص می‌کند. مدت زمانی که زهاوی سفر خیالی‌اش را آغاز می‌کند، اندک است. این حماسه از زمانی که شاعر به خواب می‌رود، شروع شده و تا قبل از سپیده‌دم و درحالی‌که با صدای جیرجیر از خواب بلند می‌شود، به طول می‌انجامد.

تَبَهَّتْ مِنْ مَنَامِي صَبْحاً
فَإِذَا الشَّمْسُ فِي السَّمَاءِ تَنِيرُ
وَ إِذَا الْأَمْرَ لَيْسَ فِي الْحَقِّ إِلَّا
حَلْمٌ قَدْ أَتَاهُ الْجَرَجِيُّرُ^۲ (همان: ۱۳۴)

۶-۳. عنصر مکان

مکان در حماسه از ویژگی خاصی برخوردار است. مکان ممکن است گسترده باشد و امتدادی برای آن تعیین نشده باشد. ممکن است در فضا و ماوراء قرار بگیرد یا در فضای محدود و تعیین‌شده‌ی دشت‌ها که پر است از موجودات غیرانسانی. زهاوی در قصیده‌ی خود از مکان‌های زیادی بهره برده است؛ او در ابتدا به‌مانند گذشتگان به توصیف اولین منزلگاه آخرت یعنی "قبر" پرداخته اما توصیفات او از این منزلگاه اندک است و بیشتر حالات نفسانی را توصیف می‌کند. دومین مکانی که به توصیف آن می‌پردازد بهشت است که بزرگی آن را به‌اندازه بزرگی آسمان و زمین می‌داند:

جَنَّةٌ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ
ض بِهَا مِنْ شَتَى النِّعَمِ الْكَثِيرُ
جَنَّةٌ فَوْقَ جَنَّةٍ فَوْقَ آخِرَى
دَرَجَاتٌ فِي كُلِّ هَنٍّ حَبُورُ^۳ (همان:

(۱۲۲)

سپس دیگر مکانی که سخن از آن می‌گوید "جهنم" است که هر روز در آن عذاب است:

كَأَنَّ الْجَحِيمَ حَفْرَةٌ بَرَكَا
ن عَظِيمٍ لَهَا فَمٌّ مَغْفُورُ
ثَم فِيهَا عَقَارِبٌ وَ أَفَاعُ
ثَم فِيهَا ضِرَاعِمٌ وَ نَمُورُ^۴ (همان: ۱۲۳)

^۱ کسی که ملائک را رهبری می‌کرد، عزرائیل بود. در صف فرشتگان به رهبری عزرائیل و در صف جهنمیان به رهبری شیطان پلید جنگی صورت گرفت و این دو گروه بر فراز جهنم به هم رسیدند؛ یکی از نور و روشنایی و دیگری از آتش
^۲ صبحگاهان از خواب با صدای جیرجیر بیدار شدم، زمانی که خورشید در آسمان می‌درخشید، این اتفاق حقیقت نداشت و فقط یک خواب بود.
^۳ بهشتی که عرض آن آسمان و زمین است و در آن نعمت‌ها زیاد و گوناگون است. بهشت بر روی بهشت که همه آن‌ها مبارک هستند.
^۴ جهنم گویی یک گودال آتشفشان بزرگ است که دهانش باز است؛ که در آن پر است از عقرب، مار، اژدها و ببر.

۶-۴. عنصر گفتگو

گفتگو به معنای مکالمه و صحبت کردن با هم و مبادله‌ی افکار و عقاید است، در شعر و داستان به کار برده می‌شود. گفتگو با شخصیت‌های داستان هماهنگی دارد و با موقعیت‌های اجتماعی و علاقه‌های شخصی آن‌ها در تناقض نیست. (میرصادقی، ۱۳۹۷: ۴۶۶).

در شعر ثوره فی الجحیم دو نوع گفتگو به چشم می‌خورد: گاهی تک‌گویی مخاطب دارد. کسی حرف می‌زند و مخاطب ساکت است و خواننده غیرمستقیم به وجود مخاطب پی می‌برد. به این شیوه روایت، تک‌گویی می‌گویند. زهاوی در آغاز قصیده به تک‌گویی پرداخته است و از وجود دو فرشته صحبت می‌کند؛ ویژگی خلقی و خصلت‌های روحی آن دو را بازگو می‌کند:

أَتَيَا لِلسَّوَالِ فِظِينَ حَيْثُ	الْمَيْتُ بَعْدَ اسْتِيقَاضِهِ مَذْعُورٌ
عَنْ أُمُورٍ كَثِيرَةٍ قَدْ آتَاهَا	يَوْمَ فِي الْأَرْضِ كَانَ حَيًّا يَسِيرٌ
وَاقِفًا لِي كَأَنَّمَا هُوَ نَسْرٌ	وَ كَأَنِّي أَمَامَهُ عَصَا فُورٌ

خَارَ عَزْمِي وَ لَمْ اَكُنْ اِتْظَنِّي أَنْ عَزَمِي يَوْمًا لِشَيْءٍ يَخُورٌ^۱ (همان: ۱۰۷)

از دیگر انواع گفتگو که زهاوی در قصیده‌اش استفاده نموده است، روش سؤال و جواب است. بیشتر توجه به اندیشه‌ی شخصیت‌ها دارد تا طبیعت. سیاق گفتگو در این حماسه بیشتر روشنفکرانه و خردمندانه است. از مهم‌ترین گفتگویی که زهاوی در قصیده‌اش ذکر نموده است، گفتگوی دو فرشته با وی است؛ که آن دو فرشته در مورد اموری همچون شغل و اعتقاداتش از وی سؤال می‌کنند و او ناگزیر باید جواب دهد:

قَالَ: فِي أَيِّ مَنِ ضُرُوبِ الصَّنَاعَاتِ	تَخَصَّصْتَ إِنَّهِنَّ كَثِيرٌ
قُلْتُ: مَارِسْتُ الشُّعْرَ أَرَعِي بِهِ الْحَقَّ	وَ قَدْ لَا يَفُوتُنِي التَّصْوِيرُ
قَالَ: مَا دَيْنُكَ الَّذِي كُنْتَ فِي الدُّنْيَا	عَلَيْهِ وَ أَنْتَ شَيْخٌ كَبِيرٌ

^۱ با خشم برای سؤال آمدند، زمانی که مرده بعد از بیداری ترسیده شده است. سؤال از چیزهای زیادی که شخص در زمین هنگامی که زنده بوده‌است، انجام داده است. فرشته ایستاده انگار او عقاب است و انگار من پرندهای در مقابلش. عزمم از بین رفت و فکر نمی‌کردم که روزی عزمم برای چیزی از بین برود.

قَلْتُ: كَانِ اسْلَامٌ دِينِي فِيهَا وَ هُوَ دِينٌ بِالْاِحْتِرَامِ جَدِيرٌ^۱ (همان: ۱۰۸)

۶- ۵. عنصر شخصیت

شخصیت‌ها را می‌توان از جنبه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرد. از جمله این تقسیم‌بندی‌ها که زهاوی هم در این حماسه نیز از آنان بهره گرفته می‌توان به شخصیت نمادین، قهرمان، شخصیت متضاد اشاره کرد. قهرمان آن‌که کل حماسه حول او می‌چرخد و انتظار می‌رود که به هدف غایی نائل شود. در حماسه زهاوی قهرمان داستان "ابوالعلا معری" است که در پایان حماسه به‌عنوان فرمانده جهنمیان در نبرد با نگهبان دوزخ است و او را شکست می‌دهد:

الْمَعْرِيُّ: غَضَبُوا حَقَّكُمْ فِیَا قَوْمِ ثُورُوا اِنْ غَضَبَ الْحَقُوقَ ظَلَمٌ كَبِيرٌ^۲ (همان: ۱۳۱)

در حماسه ممکن است برای اینکه بر جذابیت و ارزش آن افزوده شود، از شخصیت‌هایی استفاده شود که از گروه و طبقه‌های مختلفی باشند که گاه ممکن است این شخصیت‌ها ضد هم نیز باشد. "عزرائیل" و "ابلیس" از شخصیت‌های متضادی هستند که زهاوی در حماسه‌اش بکار گرفته است. جنگ خونینی میان سپاه فرشتگان به فرماندهی "عزرائیل" با سپاه جهنمیان به فرماندهی "ابلیس" صورت می‌گیرد که در نهایت با پیروزی ابلیس به پایان می‌رسد.

فَهِيَ بَيْنَ الْمَلَائِكِ الْبَيْضِ صَفَاً وَ الشَّيَاطِينِ الْاَسْوَدِ صَفَاً تَثُورٌ^۳ (همان: ۱۳۲)

در شخصیت نمادین شاعر قادر است، مفاهیم اخلاقی یا اجتماعی و روشنفکرانه را که به‌صورت مستقیم توان گفتن آن را ندارد، می‌تواند آن را به قالب عمل درآورد. شخصیت‌های نمادین در این حماسه از قرآن گرفته شده‌اند که از جمله‌ی آن می‌توان به فرشته‌های نکیر و منکر و شخصیت‌های همچون "هاروت"، "ماروت" و "یا جوج" و "ما جوج" اشاره کرد.

وَ بِيَا جُوجَ ثَمَّ مَاجُوجَ وَ السَّدِّ وَ اِنْكَارَ كُلِّ هَذَا غُرُورٌ

وَ بِهَارُوتَ ثَمَّ مَارُوتَ وَ السَّحَرِ الَّذِي اسْدَلَتْ عَلَيْهِ السُّتُورُ^۴ (همان: ۱۱۷)

حماسه چه پایان شگفت‌انگیزی داشته باشد چه نداشته باشد، تقریباً همیشه پایان خوشی دارد. قهرمان داستان باید مشکلاتش را حل کند و دشمن را شکست دهد و همچنین باید حاوی پیام ارزش محوری، شجاعت و دلآوری باشد.

^۱ گفت: در چه صنایعی تخصص داشتید که زیاد است؟ گفتیم: من پایبند به شعر بودم. گفت: دینی که در دنیا از آن پیروی کردی چه بود؟ حال که تو سالخورده‌ای. گفتیم: اسلام در آنجا دین من بود و دینی است درخور احترام.

^۲ المعری: حق شما را غصب کردند، ای مردم قیام کنید، غصب حق ظلمی بزرگ است.

^۳ بین سپاه ملائک و سپاه شیاطین جنگی صورت می‌گیرد.

^۴ از یا جوج و ما جوج و سد بگو که انکار همه این‌ها از غرور است. از هاروت و ماروت و جادوگری بگو، چیزهایی که پوشیده است.

زهاوی در این قصیده پایانی را آفریده که درنهایت به پیروزی نائل شده است. شاعر با توجه به ترسی که بر وی غلبه نموده است، حقیقت را با ایجاد فضایی کاملاً خیالی و ارائه شخصیت‌های کاملاً ناشناخته به پایان می‌رساند. زهاوی در این حماسه تلاش کرده است تا مردم را به صورت غیرمستقیم به قیام علیه حاکمان و سیاستمداران تشویق کند.

۷. فرهنگ‌ها و ایده‌های تأثیرگذار در حماسه ثوره فی الجحیم

۷-۱. تأثیر از اسطوره‌های عربی قدیم

در ثوره فی الجحیم قبل از هر چیز همه‌ی نشانه‌های اسطوره‌ها نمایان شده است. با وجود اینکه دارای یک ساختار خیالی است که در وهم و خیال نفوذ نموده و به دور از حقیقت و واقعیت است. از اسطوره‌هایی که این قصیده را بی‌نیاز نموده، می‌توان به اسطوره‌های دینی که از آن‌ها به‌عنوان رمزهای قرآنی و به‌عنوان سمبل یا شبه اسطوره‌اند، اشاره نمود. چنانچه که زهاوی به داستان «هاروت» و «ماروت» که نماد سحر و جادو، «یاجوج» و «مأجوج» که نماد فساد بر روی زمین هستند، به صورت گذرا اشاره نموده است:

وَبِأَجْوَجَ ثَمَّ مَأْجُوجَ وَ السِّدِّ وَ انْكَارِ كَلِّ هَذَا غُرُورُ

وَبِهَارُوتَ ثَمَّ مَارُوتَ وَ السِّحْرِ الَّذِي اسْدَلَّتْ عَلَيْهِ السِّتُورُ (همان: ۱۱۷)

۷-۲. تأثیر از اسطوره‌های شرقی قدیم

در روزگاران گذشته دانش انسان از طبیعت و جهان پیرامون خود در پایین‌ترین سطح ممکن قرار داشت؛ از این‌رو، تخیل جای دانش بشری را گرفت و اسطوره‌های پیرامون چگونگی پیدایش پدیده‌های طبیعی مثل روز، شب، زلزله، کوه، باران به وجود آمد. از جمله این اسطوره‌ها، افسانه کوه قاف است. زهاوی در این شعر از کوه قاف سخن به میان آورده و نسبت به آن که حقیقت یا اسطوره است، تردید دارد.

ثُمَّ زِدْ مَا تَقُولُ فِي جَبَلِ الْقَا فِ أَحَقِّ فَحْوَاهِ أَمْ أُسْطُورُ؟

جَبَلٌ مِنْ زُمْرِدٍ نَصْفٌ أَهْلُهُ ذُو إِيمَانٍ وَ نِصْفٌ كَفُّورُ

جَبَلٌ إِنْ أُرْسِلَتْ طَرْفًا أَلِيهِ رَجَعَ الطَّرْفُ عَنْهُ وَ هُوَ حَسِيرٌ^۱ (همان: ۱۱۷)

۷-۳. تأثیر از قرآن کریم

^۱ نظرت در مورد کوه قاف چیست آیا حقیقت است یا اسطوره؟ کوهی است از زمرد که نصف ساکنان آن مؤمن و نصف دیگر کافر هستند. کوهی که اگر بدان نگاه کنی، چشمت درحالی که خسته است، برمی‌گردد.

زهاوی در سفر خویش از آیات قرآنی تأثیر پذیرفته و آن‌ها را در لابه‌لای اشعارش جایگزین نموده است. تأثیر وی از قرآن کریم فقط به اقتباس از آیات قرآنی محدود نگردیده، بلکه شاعر از قصه‌های قرآنی و تصاویری در زمینه بهشت و جهنم نیز استفاده نموده است.

در سوره مؤمنون آیه‌ی ۱۹ آمده است: (فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ)^۱ و شاعر در اقتباس از سوره‌ی ذکر شده چنین می‌گوید:

وَبِهَارُمَانٍ وَنَخْلٍ وَأَعْنَابٍ
بُ وَطَلْحٍ تَشْدُ عَلَيْهِ الطَّيُورُ^۲ (همان: ۱۰۹)

و همچنین با الهام از سوره‌ی الانسان آیه‌ی ۱۳ (مَتَكَيِّبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا)^۳ شاعر می‌گوید:

لَيْسَ فِيهَا أَذَى وَلَا مَوْبِقَاتٌ
لَيْسَ فِيهَا شَمْسٌ وَلَا زَمْهَرِيرٌ^۴ (همان: ۱۲۱)

شاعر نیز با توجه به آیه‌ی ۹ سوره الفاطر (وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا

بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ^۵) به روز قیامت اشاره می‌کند:

قَالَ: هَلْ كُنْتَ قَائِلًا بِنُشُورٍ؟
قُلْتُ: رَبِّي عَلَى النُّشُورِ قَدِيرٌ

فَإِذَا شَاءَ لِلْعِبَادِ نُشُورًا
فَمَنْ السَّهْلُ أَنْ يَكُونَ نُشُورًا^۶ (همان: ۱۰۹)

زهاوی زمانی که آتش جهنم را به تصویر کشیده، از توصیفات قرآن کریم استفاده نموده است. او جهنم را با غذاهای سمی و شراب سیاه و صدای دم و بازدم توصیف می‌کند:

الطَّعَامُ الزَّقُومُ فِي كُلِّ يَوْمٍ
وَلَقَدْ يَسْقَى الظَّالِمُونَ عَصِيرًا
وَالشَّرَابُ الْيَحْمُومُ وَالْيَحْمُورُ
هُوَ مِنْ حَتَّظِلٍ وَسَاءَ الْعَصِيرُ

^۱ با آن آب برایتان بوستان‌هایی از خرما و انگور پدید آوردیم. شما را در آن باغ‌ها میوه‌های بسیاری است که از آن‌ها می‌خورید.

^۲ و در آنجا انار و درختان خرما و انگور وجود دارد و درحالی‌که پرندگان بر بالای آن‌ها آواز می‌خوانند.

^۳ این در حالی است که در بهشت بر تخت‌های زیبا تکیه کرده‌اند، نه آفتاب را در آنجا می‌بینند و نه سرما را.

^۴ در آنجا از آزار و اذیت خبری نیست و در آنجا از خورشید و سرما خبری نیست.

^۵ خداست که بادها را فرستاد تا ابرها را برانگیزند؛ و ما آن‌ها را به سرزمین‌های مرده می‌رانیم و زمین مرده را به آن زنده می‌کنیم. زنده گشتن در روز قیامت نیز چنین است.

^۶ گفت: آیا بر برانگیخته شدن اعتقاد داری؟ گفتم: پروردگار بر نشور قادر و توانا است و هرگاه بخواهد بندگان را برمی‌انگیزد، برانگیختن برای او آسان است.

وَلَهُمْ فِيهَا كُلُّ يَوْمٍ عَذَابٌ وَ لَهُمْ فِيهَا كُلُّ يَوْمٍ ثَبُورٌ^۱ (همان: ۱۲۳)

منابع و مأخذ

*کتابها

- القرآن الکریم
- پروینی خلیل، میرقادرى فضل‌الله، (۱۴۰۰)، انواع شعر عربى و سیر تطور آن، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس
- الحانى، ناصر، (۱۹۵۴)، محاضرات عن جميل صدقى زهاوى، قاهره، منشورات جامعة العربیة
- میرصادقى، جمال، (۱۳۹۷)، عناصر داستان، تهران: سخن
- الزهاوى، جميل صدقى، (۱۹۷۲)، دیوان الزهاوى، بیروت: دار العلم للملایین
-، (۱۹۸۳)، دیوان النهضة، بیروت: دار العلم للملایین
- شالیان، ژرار، (۱۳۷۷)، گنجینه حماسه‌های جهان، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: چشمه
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۵۲)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیرکبیر
- عزالدین، یوسف، (۱۹۶۰)، الشعر العراقى الحديث و اثر التيارات السیاسیة و الاجتماعیة فیہ، قاهره: الدار القومیة للطباعة و النشر
- علوش، سعید، (۱۹۸۶)، اشکالیة التيارات و التأثيرات الادبیة فی الوطن العربی، بیروت: دار الجبل
- الفاخوری، حنا، (۱۹۸۶)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، بیروت: دار الجبل
- مصطفی هداره، محمد، (۱۹۹۰)، دراسات فی الادب العربی الحديث، بیروت: دار العلوم العربیة
- الوائلى، ابراهیم، (۱۹۷۸)، الشعر السیاسی العراقى فی القرن التاسع عشر، بغداد: مطبعة المعارف

^۱ هر روز خوراکی کشنده می‌خورند و شرابی سیاه می‌نوشند و تشنگان را با شراب سیاه سیراب می‌کنند درحالی‌که همچون حنظل تلخ است و هر روز در آنجا عذاب و رنج است.

- الهلالی، عبدالرزاق، (۱۹۷۶)، الزهاوی الشاعر الفيلسوف و الكاتب المفكر، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب

* پایان نامه‌ها

- محمودآبادی، معصومه، (۱۳۹۱)، بررسی معنا و مفهوم علم و جهل در اشعار جمیل صدقی زهاوی و معروف رصافی، پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر حسین ناظری، مشهد: دانشگاه فردوسی
- مرادی رحیم‌آبادی، صدیقه، (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی جایگاه انسان در شعر ملک‌الشعراى بهار و جمیل صدقی زهاوی. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر رضا سمیع زاده، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام قزوین
- خانزاده، غلامحسین، (۱۳۹۶)، گرایش‌های ملی‌گرایانه در اشعار جمیل صدقی زهاوی . پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر محمدرضا اسلامی، تبریز: دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
- غفوری، هادی، (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی مضامین عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در اشعار جمیل صدقی زهاوی و محمد کابلی مریوانی (قانع). پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر عبدالله رسول نژاد، کردستان: دانشگاه کردستان

* مقالات

- امیری جهانگیر، طهماسبی عبدالصاحب، نعمتی فاروق، (۱۳۹۰)، نقد التناص القرآنی فی قصیده " ثورة فی الجحیم" لجمیل صدقی الزهاوی. نشریه نقد و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۴، ص ۱۲۸-۱۰۳
- گنجیان علی، رحیمی ثریا، نعمتی فاروق، (۱۳۹۵)، ادبیات اعتراض در شعر جمیل صدقی زهاوی و ابوالقاسم لاهوتی. نشریه کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۱۸۸-۱۶۳
- آقای، مهرداد، (۱۴۰۰)، بررسی تطبیقی دعا و نیایش در اشعار نظامی گنجوی و جمیل صدقی زهاوی. نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، ص ۲۱۱-۱۸۵